

نقش فرهنگ در شکل گیری هویت مکانی و نام های جغرافیایی

راحله علیزاده؛ کارشناس ارشد جغرافیا و کارشناس سازمان نقشه برداری کشور

Rahel882@yahoo.com

چکیده

درک مفهوم مکان در بسیاری از علوم کاربرد دارد. مکان بستری برای فعالیت انسان تلقی می شود. به همین دلیل بررسی تعامل مکان و فرهنگ ضروری است، چون غفلت از این موضوع مانع شناخت مکان و فرهنگ می شود.

به دلیل اینکه فرهنگ برآیند جغرافیا مقتضیات تاریخی و اجتماعی یک سرزمین است، لذا هر گاه بخواهیم فرهنگ یک سرزمین را مورد مطالعه قرار دهیم، از پل جغرافیا باید عبور کنیم. از سوی دیگر، فرهنگ در مکانهای مختلف فرهنگی به صورت موزائیکی متنوع متجلی می شود که وظیفه جغرافیا را در رابطه با فرهنگ روشن می سازد.

هدف مقاله حاضر بررسی نقش فرهنگ در شکل گیری نام های جغرافیایی و هویت مکانی با روش کتابخانه ای است که از منابع متعدد استفاده شده است.

انسان با فرهنگ خود در شکل پذیری و نقش یابی مکان ها تأثیر گذار است. فرهنگ های گوناگون، مکان های خاص خود را می سازند و کارکردهایی متناسب به آن می بخشند. ویژگی های فرهنگی جامعه در کالبد مکان نفوذ می کند، در آن تجلی می یابد و خود را در بستر مکانی و فضایی نمایان می سازد. تفاوتها و تنوعات فرهنگی را در اولین نگاه باید ناشی از جغرافیای مکانی و فضایی قلمداد کرد. اقلیم، زمین و خصوصیات آن، کیفیت منابع طبیعی آن، فرصتها و محدودیتهای ناشی از محیط طبیعی، بلاشک در نوع معیشت، سبک زندگی و در واقع فرهنگ آن مکان تأثیر دارد. همچنین شیوه های کشت و زرع، نوع و شکل سکونتگاههای انسانی، وساخت راه ها از جمله پدیده های متأثر از فرهنگ است که به مثابه چشم اندازهای فرهنگی مطالعه می شوند.

کلید واژه: فرهنگ، هویت مکانی، نامهای جغرافیایی

مقدمه

موضوع مکان و فرهنگ را می توان در چارچوب مسائل جغرافیای انسانی و اجتماعی بررسی کرد. در حوزه های علمی گوناگون مباحثی مشترک و همپوشان، روش شناسی همسو، حتی مبانی نظری و تئوریک وجود دارد که آنها را در مطالعات خود به هم نزدیک می کند. بنابراین برای بررسی دقیق تر رابطه مکان و فرهنگ، باید با موضوع اصلی، مبانی نظری و روش کار حوزه های علمی نزدیک به جغرافیای فرهنگی نظیر تاریخ و انسان شناسی و حتی باستان شناسی آشنایی و احاطه کافی داشت.

هر گاه مکان که دارای حدود و ثغور است به عنوان یک ناحیه فرهنگی که ویژگی های مشترک دارد، مد نظر قرار دهیم، برای فهم فرهنگ آن ناحیه ناگزیر از مطالعات جغرافیایی هستیم. شکل یابی و تکوین هر فرهنگی در یک محدوده خاص جغرافیایی اتفاق می افتاد. تفاوتها و تنوعات فرهنگی را در اولین نگاه باید ناشی از جغرافیای مکانی و فضایی قلمداد کرد. اقلیم، زمین و خصوصیات آن، کیفیت منابع طبیعی آن، فرصتها و محدودیتهای ناشی از محیط طبیعی، بلاشک در نوع معیشت، سبک زندگی و در واقع فرهنگ آن مکان تأثیر دارد.

مطالعات مکان و فضا را می توان در آثار علمی فوکو، بوردیو، لوفور، هاروی و دیگران مشاهده کرد. بنابراین مطالعات مربوط به مکان و فرهنگ تنها به حوزه جغرافیا مربوط نمی شود و اندیشمندان سایر حوزه های علمی نیز به آن پرداخته اند. در گذشته بسیاری از جغرافیدانان هدف اصلی جغرافیا را مطالعه مکان می دانستند، ولی امروزه بسیاری به اهمیت فضا و فرهنگ در فرایندهای اجتماعی توجه و آن را تجزیه و تحلیل می کنند.

در این مقاله به بررسی مفهوم مکان و نقش فرهنگ در مکان و شکل گیری نام های جغرافیایی و تعامل فرهنگ و مکان پرداخته شده است.

مبانی نظری

مفاهیم مکان، احساس مکانی و بی مکانی از مفاهیم اصلی هستند که جغرافیدانان در حوزه علوم انسانی مطالعه کردند. آن ها سعی کرده اند تا از روابط مردم با جهان خارج ای مفاهیم را درک کنند.

جغرافیای فرهنگی دانشی ترکیبی است که از مطالعات و دیدگاههای دو حوزه فرهنگ و محیط طبیعی استفاده می کند.

مسیر دو علم فرهنگ و مکان در قیاس گسترده ای با هم تلاقی دارند تا امکان مطالعه روابط انسان با محیط را فراهم سازد. همین بررسی بستری را آماده می سازد تا در راستای آن هویت سازی برای اماکن جغرافیایی متوجه اهمیت نقش نام های جغرافیایی در مکانیزم تعیین هویت اماکن شود و گاه می کوشد این نقش را در راستای اهداف ویژه خود جهت تعیین هویت جغرافیایی دخل و تصرف دهد.

جغرافیادان می داند که نام های جغرافیایی به دلایل سیاسی و نژادی و مذهبی درست نشده اند که در خدمت به امیال دیگران دگرگون شوند. او می داند که نام های جغرافیایی از هسته اولیه ای پدیدار می آیند که ریشه در بستر فرهنگی و شیوه تعاریف جغرافیایی و اماکن جغرافیایی در هر محل و مکانی دارد. اشکال اولیه این نام ها به مرور زمان تطور یافته و عصاره اصلی آن در کوره زمان گداخته می شود و به صورت آلیاژ پایداری در می آید که اصولاً نمی تواند و نباید براساس هوا و هوس سیاسی افراد و یا حتی اقوام دگرگون شوند.

جغرافیدانان فرهنگی مطالعات آب وهوا، گیاهان، خاک، زندگی حیوانی را در مطالعات خود وارد می کنند، زیرا این عوامل روی فرهنگ اثر می گذارد و به تشریح الگوهای فرهنگی کمک می کند.

کارل ساور از بنیانگذاران جغرافیای فرهنگی، مطالعاتی در باره ارتباط مکان و زندگی انجام داد. مطالعات وی بیانگر شکل گیری مکان های گوناگون از راه فرهنگ های متفاوت است. به عبارت دیگر، فرهنگ های متفاوت نظام های متفاوت کشاورزی، سکونتگاهی، حمل و نقل ، و... را می رساند.

پروشانسکی و دیگران (۱۹۵۵) مشاهده کردند که هویت مکانی گروه به مثابه عامل پیوند هویت های مکانی متعلق به افراد، از راه تجربیات آن ها درک شدنی است. به هر حال انسان با فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی خود آثاری را در مکان بر جای می گذارد و مکان ها نیز در فرهنگ انسان تأثیر دارند. به عبارت دیگر با ورود انسان در مکان تغییراتی متناسب با افکار و عقاید در قالب فرهنگ او صورت می پذیرد و چشم اندازهای فرهنگی متفاوت با سایر مکان ها می آفریند.

مفهوم نام های جغرافیایی و اهمیت ثبت صحیح آنها

نام های جغرافیایی به نام های اطلاق می شود که زمین مرجع بوده، معرف هویت یک محل یا مکان جغرافیایی باشند. و منظور از نام نگاری شیوه ایست علمی جهت تعیین، تلفظ، و نگارش یک نام جغرافیایی، که با بهره گیری از حروف و علائم نوشتاری و آوایی زبان رسمی کشور، مبتنی بر دستورالعمل آوانگاری کلی و تفصیلی مصوب کمیته تخصصی نام نگاری و یکسان سازی نام های جغرافیایی، مورد استفاده قرار می گیرد.

همچنین یکسان سازی، مطابقت و هماهنگ نمودن نام های جغرافیایی در کاربردهای مختلف اعم از ثبت در نقشه ها، اسناد و مدارک تاریخی، جغرافیایی و ملی، با معیارهای تعیین شده از سوی کمیته است.

از آنجا که نام های جغرافیایی نقش اصلی را در هویت بخشیدن به مکان ها ایفا می کنند، همواره مورد توجه سیاستمداران، پژوهشگران و سایر اقشار مردم می باشند. یکسان سازی این نام ها و جلوگیری از پراکندگی در زمینه استفاده از این نام ها در بسیاری از موارد از بروز این تنش های سیاسی می کاهد. نام های جغرافیایی توسط اقوام به

صورت های گوناگون وضع می شوند و این اختلاف تا حدی است که آن ها یک محل واحد و یا یک عارضه طبیعی را به نام های مختلف می خوانند. در این مورد دلایل زیادی وجود دارد که مهمترین آنها عبارت است از:

الف (مکان های زیادی وجود دارند که بیش از یک نام دارند چه در داخل یک کشور و چه در کشورهای دیگر.

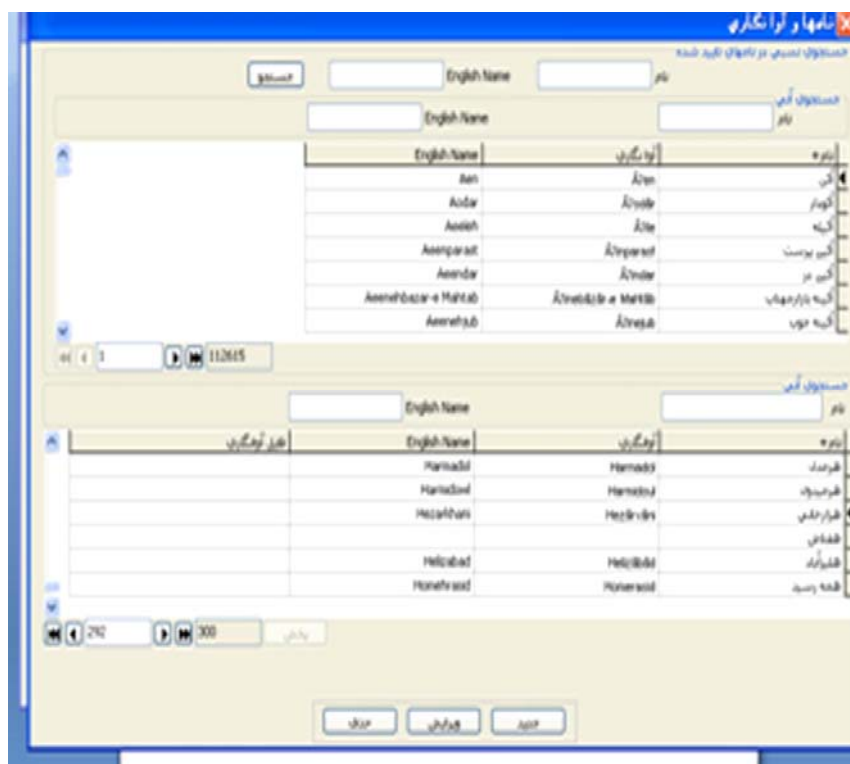
ب (نامهای زیادی وجود دارند که به بیش از یک محل اطلاق می شوند.

ج (یک نام ممکن است به اشکال دیگری نیز تلفظ و نوشته شود.

د (مردم در یک کشور به خصوص، یا یک ناحیه زبانی، نامهایی را برای عوارض خارج از کشور خود به کار می برند که با نامهای محلی آنها متفاوت است.

ه (نامهای جغرافیایی در زبان هایی مانند عربی، فارسی، چینی، یونانی، روسی، کره ای، ژاپنی و ... با حروفی غیر از حروف لاتین نوشته می شوند.

برای پیشگیری از تشتت و پراکنده کاری و نیز ثبت نادرست و غیر مستند آنها که جنبه هویتی و ملی دارند، ثبت صحیح و مستند نام های جغرافیایی سرزمینی در نقشه ها، اسناد و مدارک تاریخی و جغرافیایی و نیز نشانی صحیح آنها در شبکه های اطلاع رسانی ملی و جهانی از ضروریات می باشد.



شکل ۱. نامهای جغرافیایی همراه با آوانگاری به دلیل اهمیت ثبت صحیح آنها (منبع سایت سازمان نقشه برداری)

فضا ساختار فیزیکی تشکیل دهنده مکان و در واقع جداکننده بیرون و درون است. هویت به کیفیت کلی درک شده از مکان گفته می شود، هویت جوهره اصلی مکان است. هویت هر مکان باید مطابق با خواسته مورد نظر از آن مکان باشد.

مطابق تعریفی دیگر می توان از مکان به عنوان فضاهای زنده شده تعبیر کرد، مکان یعنی فضایی که در آن زندگی جریان دارد. مکان دارای اثری دوجانبه است، از طرفی حضور انسان و زندگی در جریان در فضا بر روی هویت مکان اثر می گذارد و از طرف دیگر روح حاکم بر مکان بر انسانها و جریان زندگی آنها مؤثر است. این تأثیر روح مکان همان است که در تعبیر رومیان باستان به عنوان *genius loci* که روح محافظ و تأثیر گذار هر مکان است، نام برده می شد.

بنابراین مکان جایی است که ما ادراکی از کامل از هستی و بودن خود داشته باشیم. مکان زمانی مکان می شود که انسان در ارتباط با لایه های دیگر قرار بگیرد. این لایه ها می تواند توسط فعالیت های مشترک با دیگر هموعان، در ارتباط با طبیعت قرار گرفتن، روشن شود. انسان از مکان های متفاوت تصویرهای متفاوتی در ذهن دارد. احساسات او از مکان می تواند بر روی ادراکات او از محیط و شکل گیری تصویر ذهنی از مکان تأثیر گذار باشد. همین تصاویر ذهنی انسان هاست که به مکان هویت می بخشد.

مکان در نزد حکمای قدیم به معنای فضا و یا به عبارتی دیگر تعریف کننده حدود فضا بوده است. همچنین شناخت فضا را به نوعی شناخت هویت خود تعبیر نمود با تعریف کردن مکان ها و شکل بخشیدن به آن شناخت آنها قابل فهم می شود و انسان مکان و مرتبه خود را در این عالم کشف می کند و هویت او نمایان می شود.

می توان عوامل هویت بخش به مکان را اینگونه بیان کرد که عوامل هویت بخش به مکان بدین صورت قابل وصفند: مکان زمانی معنا پیدا می کند که درکی حسی از آن صورت گرفته و تصویری ذهنی از خود به جای گذاشته باشد. مکان توسط ساختارها و فعالیت های که در آن صورت می گیرد شناخته می شود.

در مجموع مکان و تصویر ذهنی که از آن باقی می ماند در شکل دادن هویت محل زندگی و انسان از مؤثرترین هستند.

به طور کلی ویژگی های مکان ها را به این شرح می توان بر شمرد:

۱- مکان به یک واحد و بخشی از فضا اطلاق می شود که به وسیله انسان اشغال شده باشد، مانند یک شهر، یک ناحیه...

۲- مکان ها نمود عینی داشته و بر اثر عوامل تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و... تغییر شکل می دهند،

۳- مکان ها هویت مشخصی دارند که توسط چشم انداز ویژه هر مکان معرفی می شوند،

۴- مکان معرف ساختار جامعه خویش است، بنابراین هر مکانی نشان و نمادی از جامعه خود است که بر پیشانی و چشم انداز آن تجلی پیدا می کنند،

۵- مکان حاصل روح جامعه و مردم خودند، پس حس و دل بستگی به مکان، علائمی را در انسان پدید می آورد که دوری از آنها موجب دل تنگی می شود.

مفهوم هویت جغرافیایی و اهمیت شناخت آن

هویت از بنیادی ترین مباحث اندیشه معاصر است که همگان درباره اهمیت آن در جوامع بشری اتفاق نظر دارند اما هرکس از منظری خاص به آن نگریسته و به جنبه ای از آن توجه بیشتری دارد و لاجرم به برداشتی متفاوت از آن می رسد. پژوهش درباره هویت همواره با وسواس و تردید همراه بوده است: چرا که انسان به هویت نیاز دارد.

جغرافیا بستری است که هویت در آن شکل گرفته، رشد یافته و به کمال می رسد. بر این اساس هویت عبارت خواهد بود از محیط جغرافیایی، مجموعه آداب، سنن و اعتقاداتی که فرهنگ جامعه را تشکیل می دهند که در طول تاریخ دیرین فراز و فرودهای زیادی را پشت سر نهاده است، به طوری که برخی از این عوامل دچار تغییرات اساسی شده و برخی دیگر مانند مکان در مقابل حوادث و وقایع کمترین تغییر و تحول را پذیرفته و همچون گذشته به نقش آفرینی در عرصه جغرافیایی پرداخته و اثرگذاری خود را در بسیاری از مسائل حفظ کرده است. جغرافیا به عنوان علم مکانها انسان را در شناخت مکان و بهره برداری بهینه از آن کمک می کند. به عبارت دیگر انسان موفق انسانی است که قبل از هر اقدام مکان گزینی و یا بهره برداری ویژگی های جغرافیایی مکان را اعم از طبیعی و انسانی به صورت یک مجموعه کامل و منسجم بشناسد؛ یعنی اینکه هویت جغرافیای مکان کاملاً شناخته شود. بدون شناخت جامع و دقیق این هویت هر نوع برنامه بهره برداری به شکست منجر می شود. برای مثال، آلودگی شهرها به جهت عدم شناخت هویت جغرافیایی مکان و نهایتاً بهره برداری ناسازگار با هویت جغرافیایی آنها است. اگر برنامه ریزان بر جهت باد غالب و یا وجود وارونگیهای دمایی واقف شوند فعالیت های شهری را بگونه ای توصیه می کنند که آلودگی را به حد اقل برساند. اگر جاده های بین شهری در بعضی از فصول سال خطرناک و یا بسته می شوند. هیچ دلیلی به غیر از عدم شناخت هویت جغرافیایی مسیر جاده و ساختن آن متناسب با شرایط زمین شناسی و اقلیمی منطقه ندارد.

هویت جغرافیایی مکان باید به طور کامل و جامع شناخته شود. عدم شناخت یکی از ویژگیها و ناتوانی کشف رابطه یکی از عناصر مکان با عناصر دیگر، شناخت ما را ناقص می کند. در نتیجه مطرح کردن مطالعات جغرافیایی طبیعی، انسانی به طور جداگانه و بدون ارتباط با همدیگر شناخت هویت مکان را ناقص می نماید. یعنی اینکه لازمه شناخت هویت جغرافیایی مکان پذیرش هویت واحد و منسجم خود جغرافیا را نیاز دارد.

تعامل مکان و فرهنگ

در جغرافیای انسانی جهان متشکل از بخش های کوچک و پیچیده مکان ها است، که هر یک از آنها فرهنگی دارد که تکامل پیدا کرده است. فرهنگ هر مکان ممکن است در طول زمان های مختلف تغییر اساسی پیدا کند، چون ساکنان هر مکان، نسبت به فشارهایی که بعضی از جنبه های مربوط به نحوه زندگی آنها را تهدید می کند، واکنش نشان می دهند؛ بنابراین مکان ها دارای ذات و هویت جامعه ای اند که زندگی در آنجا سامان می گیرد، و این واحدها را افرادی که درصدد تغییر شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هستند برای رسیدن به هدف های خود، ارزیابی می کنند.

در حوزه های علمی گوناگون مباحثی مشترک و همپوشان، روش شناسی همسو، حتی مبانی نظری و تئوریک وجود دارد که آنها را در مطالعات خود به هم نزدیک می کند. بنابراین برای بررسی دقیق تر رابطه جغرافیا و فرهنگ، باید با موضوع

اصلی، مبانی نظری و روش کار حوزه‌های علمی نزدیک به جغرافیای فرهنگی نظیر تاریخ و انسان‌شناسی و حتی باستان‌شناسی آشنایی و احاطه کافی داشت.

تفاوتها و تنوعات فرهنگی را در اولین نگاه باید ناشی از جغرافیای مکانی و فضایی قلمداد کرد. اقلیم، زمین و خصوصیات آن، کیفیت منابع طبیعی آن، فرصتها و محدودیتهای ناشی از محیط طبیعی، بلاشک در نوع معیشت، سبک زندگی و در واقع فرهنگ آن مکان تأثیر دارد. بنابراین جغرافیای فرهنگی یعنی مطالعه فرهنگ‌های گوناگون در بستر مکان (جغرافیا) و در ارتباط با زمان (تاریخ) با هدف شناخت همگونی ها و ناهمگونیهای فرهنگی یا به عبارت دیگر تنوعات فضایی مکانی فرهنگها است.

برای درک تعامل فرهنگ و مان باید فعالیت های انسان در مکان و فضا توجه کرد. انسان برای تأمین نیازهای خود از منابع و امکاناتی که در طبیعت یافت می شود، استفاده می کند. نوع بهره برداری انسان و چگونگی فعالیت های او در طبیعت تحت تأثیر فرهنگ است.

انسان با کسب تجربه و افزایش آموخته های خود در قالب فرهنگ، بیشترین منافع را کسب کرده است. با تنوع نیازهای انسان و افزایش حس سود جویی، چه بسا جوامعی موفق عمل می کنند که فرهنگ و علم و فناوری قوی داشته باشند. فرهنگ پیشرفته فناوری های جدید تولید می کند و قدرت جامعه را دو چندان می کند. نتیجه اینکه فرهنگ پیشرفته مکان را به خدمت می گیرد و به آن نقش تازه ای می بخشد. به عبارتی دیگر، فعالیت های فرهنگی، اقتصادی، و اجتماعی انسان به مکان نقش و کارکردی ویژه همراه با شخصیت و اعتبار می بخشد. مکان با ارزش های انسان هویت می یابد و به عبارتی مکان را فرهنگ انسانی می سازد.

نخستین برخورد انسان با محیط از غرایز حیوانی اش سرچشمه می گرفت که او را وادار به دستیابی به آب، غذا، و مسکن کرده بود. بنابراین، روابط انسان با محیط ضامن بقای او یعنی تأمین خوراک و پوشاک و مسکن است که از شکل ساده آن در دوران اولیه شروع شده و به تدریج، با تکامل فکری و عقلی انسان پیچیده تر شده است.

نحوه زندگی انسانهایی که در یک مکان جغرافیایی متمرکزند، وابسته به نظامی فرهنگی است که اشتراکات و شباهت های عناصر آن از علل مهم در شکل گیری گروه های فرهنگی است که در قالب الگو های فضایی ساخته می شود. مفهوم الگوی فضایی به بررسی تفاوت ها و شباهت های میان ناحیه ای با ناحیه دیگر اشاره دارد.

انسان از مکان برای بیان احساس مکانی یا هویت پذیری خود استفاده می کند. انسان ریشه خود را در مکانی جستجو می کند که نیازهای اساسی و امنیت او را تأمین کند. انسان با فرهنگ خود در شکل پذیری و نقش یابی مکان ها تأثیر گذار است. فرهنگ های گوناگون مکان های خاص خود را می سازند و کارکردهایی متناسب به آن می بخشند.

از عوامل فرهنگی که سبب بروز وابستگی های مکانی میان دو قلمرو جغرافیا می شود، شباهت های فرهنگی از قبیل زبان، مذهب، قومیت، و تاریخ است. برای شناخت اینکه دو مکان انسانی تا چه اندازه به یکدیگر وابستگی دارند، می توان از میزان اشتراک مؤلفه های فرهنگی آن ها سود جست.

ویژگی های فرهنگی جامعه همچون روحی در کالبد مکان نفوذ می کند، در آن تجلی می یابد و خود را در بستر مکانی و فضایی نمایان می سازد. این ویژگی های فرهنگی به نوبه خود از باورها، اعتقادات، اداب و رسوم، ارزش های هر جامعه که وابسته به مکان و زمان هستند تأثیر می پذیرند. به عبارتی فرهنگ از عوامل تمایز و تفاوت مکان ها و نواحی است.

نتیجه گیری

عامل فرهنگی در طی زمان بر روی چشم انداز طبیعی اثر گذاشته و شکل های مختلف و متنوع بره گیری های انسانی را بر روی آن تشکیل داده است. بنابراین ذهنیت گرایی و دانش تجربه انسان در خلاقیت و ایجاد محیط فرهنگی خود بر چهره زمین اهمیت دارد.

مکان و فرهنگ دائم با هم در ارتباط هستند، زیرا هر مکان بستری است برای روابط متقابل میان انسان ها که به نوبه خود از خاستگاه های فرهنگی است. انسان با اشغال محیط طبیعی چشم اندازهای جغرافیایی می آفریند. بدینسان که همه بافتها، ساخت ها، پیوند ها و پدیده هایجغرافیایی به وسیله خصیصه های فرهنگی نقش می یابند و شکل می پذیرند. مطالعه فرهنگی هر ناحیه بهترین وسیله شناخت و ارزیابی محیط های جغرافیایی، همچنین تعیین نوع اختلاف میان گروههای انسانی است.

میان مردم محیط های جغرافیایی در شکل و نوع بهره برداری از زمین تفاوت هایی موجود است که ناهماهنگی چهره های جغرافیایی آنها ناشی از این جریان و بیان کننده همین خصیصه های فرهنگی است. شیوه نگرش و نوع فرهنگ جوامع می تواند در ساخت و نقش مکان ها مؤثر باشد و مطابق با نوع ایدئولوژی حاکم به خدمت گرفته شود. سطح توسعه مکان ها نیز بر اساس قدرت فرهنگ جامعه تعیین می شود.

در واقع سیمای ظاهری هر مکان جغرافیایی، نموداری از سطح تأثیرگذاری عوامل طبیعی و انسانی است که متناسب با سطح فرهنگ و بینش اجتماع شکل می گیرد. بررسی رویدادهایی که در طول زمان و در بستر مکان شکل گرفته اند بیانگر این واقعیت است که هر یک متناسب با سطح فرهنگ و جهان بینی، نقشی در هویت یابی مکان دارند که هدف آن همانا قایل شدن هویت مشخص فرهنگی بر محیط جغرافیایی متأثر از عمل انسان است.

همچنین نام های جغرافیایی نقش اصلی را در هویت بخشیدن به مکان ها ایفا می کنند، نام های جغرافیایی توسط اقوام به صورت های گوناگون وضع می شوند، پس نقش فرهنگ در این مورد انکار ناپذیر است. با توجه به استقرار مردمان متفاوت از نظر فرهنگی، از یک سو مکان های متفاوت قومی، نژادی و زبانی پدید می آید و از سوی دیگر، مکان ها نیز بر فرهنگ مردم از راه مواجهه آن ها با نوع منابع طبیعی، اقلیم، موقعیت و مشخصه های جغرافیایی تأثیر می گذارد. به طوری که عوامل طبیعی و منابع موجود نوع خاصی از اقتصاد و سازمان های اجتماعی را می سازد که به نوبه خود بر فرهنگ مردم اثر می گذارند.

منابع

- ۱- پرتوی، پروین ۱۳۸۲، مکان و بی مکانی، رویکردی پدیدارشناسانه، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۴، تابستان، ص ۴۲.
- ۲- حاضری، علی محمد و مصطفی مهرآئین، پاییز و زمستان ۱۳۸۱. رویکردهای متفاوت در مطالعات فرهنگ با تأکید بر بعد روش شناسی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰.
- ۳- جردن، تری ج. ولستر راونتری، ۱۳۸۰. مقدمه ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی، تهران. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ۴- شکویی، حسین، ۱۳۷۵/ندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، ج اول، تهران: گیتاشناسی
- ۵- فون مایس، پی یر، آیوازیان، سیمون، نگاهی به مبانی معماری از فرم تا مکان، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳
- ۶- گنجی، محمد حسن، ۱۳۸۲. جغرافیا علم زندگی و برنامه ریزی توسعه، جغرافیا و توسعه، سال اول، شماره پیاپی
- ۷- نوربرگ شولتز، کریستین، سید احمدیان، علیرضا، معماری: حضور، زبان و مکان، معمار نشر، ۱۳۸۱
- ۸- نوربرگ- شولتز، کریستیان ۱۳۸۲، معماری: معنا و مکان، ترجمه برازجانی، انتشارات جان جهان، تهران